سوژه سترگ و روایت‌های نحیف

مروری بر دلایل بی رمق ماندن محرم تصویری امسال

سریال شبکه خانگی «دختران کوچه غم»

محمد عنبرسوز

درنگ

در دو دهه اخیر، رسانه ملی و سینمای ایران به وضوح در تولید آثار نمایشی مرتبط با محرم و فرهنگ عاشورا قافیه را باخته‌اند. تلویزیون تمام توان خود را بر سریال فاخر «مختارنامه» متمرکز کرد؛ مجموعه‌ای که به حق یکی از بهترین سریال‌های الف ویژه تاریخ تلویزیون شد و با گذشت بیش از یک دهه، بازپخش‌های مکرر آن همچنان با استقبال گسترده مخاطبان روبه رو است. هرچند از مجموعه‌های تلویزیونی پر طرفدار چون «شب دهم»، «معصومیت از دست رفته» و «پریدخت» نمی‌توان نام نبرد. با این حال، دیگر آثار مناسبتی و کم حجم‌تر در این حوزه چندان چنگی به دل نمی‌زنند؛ به طوری که در محرم امسال، دست تلویزیون آن قدر خالی مانده که به بازپخش مینی سریال «موقعیت مهدی» با عنوان «عاشورا» متوسل شده است؛ اثری که با وجود نقاط قوت فراوان، ذاتا مجموعه‌ای دفاع مقدسی به شمار می‌رود. سینمای ایران نیز، دوشادوش تلویزیون، در یکی دو دهه اخیر ترجیح داده کمتر خودش را درگیر سوژه‌های عاشورایی کند. سرنوشت تلخ «رستاخیز» احمدرضا درویش، به عنوان مهم‌ترین فیلم سینمایی عاشورایی پس از «روز واقعه»، شاید برای بسیاری از فیلم‌سازانی که سودای ساخت اثری در این زمینه را در سر داشتند، درس عبرتی شد و آن‌ها را از ادامه راه منصرف کرد. شبکه نمایش خانگی نیز اساسا رسالتی در تولید آثار مناسبتی برای خودش تعریف نکرده و طبیعی است که تنها کنشش در ایام محرم، توقف پخش آثار کمدی باشد.

درام بی‌مانند

واقعیت این است که عاشورا و فرهنگ محرم، پدیده‌ای خاص و ذاتاً منحصر به جهان تشیع است که نمونه خارجی قابل استنادی برای آن وجود ندارد. بر همین اساس، در حوزه درام عملا چاره‌ای نداریم جز اینکه به تجربه‌های گذشته خود بازگردیم و بررسی کنیم که چه عواملی در گذشته توانسته‌اند به تولید سریال‌های عاشورایی کم هزینه و در عین حال گیرا منجر شوند. مروری بر سابقه رسانه ملی در تولید این قبیل آثار نشان می‌دهد که بهترین نمونه‌های تولید یک اثر دراماتیک با هزینه‌ای معقول و با محوریت فرهنگ عاشورا، دو سریال «شب دهم» ساخته حسن فتحی و «معصومیت از دست رفته» به کارگردانی داوود میرباقری است.

تماشاهای این آثار و به ویژه «شب دهم»، با گذشت سال‌ها، همچنان یکی از معنوی‌ترین تجربیات مردم در ۱۰ روز اول ماه محرم محسوب می‌شود؛ اگرچه هیچ‌کدامشان یک اثر تاریخی کلاسیک (با پرداختن مستقیم به واقعه سال ۶۱ هجری قمری) نیستند. با این حال، تلویزیون ایران، در سال‌های بعد، نتوانست اثری مشابه و هم‌تراز با آن‌ها تولید کند. این وضعیت برقرار بود تا اینکه سال گذشته یک مهمان ناخوانده در شبکه نمایش خانگی، مخاطبان را بار دیگر با حال و هوای محرم آشتی داد؛ البته در قواره‌ای ناموزون و در زمانی نامناسب.

دفن شده در شلوغی رسانه‌ای

مینی سریال سه قسمتی «دختران کوچه غم»، به کارگردانی علی جعفرآبادی، با وجود جذابیت‌های ویژه و اهمیت بالایش در بازنمایی مضامین اخلاقی و دینی مرتبط با عاشورا، در شلوغی و ترافیک سینما و شبکه خانگی کاملا مورد بی‌مهری قرار گرفت و به سرعت محو شد. این سریال پیش از نوروز ۱۴۰۴ و در شلوغ‌ترین روزهای نمایشی شبکه خانگی، در قالب یک مینی‌سریال، پخش و خیلی زود از خاطره‌ها محو شد؛ در حالی که به نظر می‌رسید ذاتا برای سینما طراحی شده بود و از آنجایی که شرایط اکران را مهیا ندید، به قالب شبکه خانگی درآمد. پیرنگ این سریال، کاملا واجد این ظرفیت بود که به یک مجموعه تلویزیونی ده پانزده قسمتی تبدیل شود و آنتن یکی از شبکه‌های تلویزیون را به تسخیر خودش درآورد.

هم نشینی ارزش‌های عاشورایی با زندگی معاصر

«دختران کوچه غم» سریالی با محوریت روحانی‌ای به نام مسیح است که در شب ازدواجش درمی‌یابد خواهرش به اتهام قتل در آستانه اعدام قرار دارد. خواهر او خواننده‌ای در کازینو است و از نظر اعتقادی، سبک زندگی و ویژگی‌های شخصیتی هیچ نسبتی با قهرمان قصه (یک روحانی جوان) ندارد. با این حال، مسیح زیر نگاه سنگین پدر همسر و دیگر طلاب، خانواده را مقدم می‌داند و بدون هیچ ابایی از حرف مردم، تصمیم می‌گیرد برای احقاق حق مظلوم وارد میدان شود. او در ادامه سر از یک محله بدنام و جایی به نام «کوچه غم» درمی‌آورد و با واقعیت‌هایی روبه رو می‌شود که قبلا از آن‌ها بی خبر بوده است.

تجربیات انباشته نمایشی در ایران ثابت می‌کنند که صرف استفاده مستقیم از مناسک و شعائر کافی نیست. آنچه مخاطب امروز را درگیر می‌کند، رسیدن به درون مایه و توجه به روح فرهنگ عاشورا - یعنی اخلاق، آزادگی، مظلومیت و ایستادگی در برابر ظلم - در قالبی تازه و دراماتیک است

آزادگی و عزای محرم

«دختران کوچه غم» از آن دسته سریال‌هایی بود که بی‌سروصدا آمد، اما خیلی زود در دل مخاطبان ایرانی جای گرفت و مهم شد. مهم، نه فقط به خاطر داستان پرکششی که در پس زمینه‌ای تاریخی روایتش می‌کرد، بلکه از آن رو که توانست مفاهیم عمیق انسانی، اجتماعی و عاشورایی را با روایتی ملموس و مردمی به تصویر بکشد. این سریال در بستری از زندگی روزمره، مفاهیمی چون ایستادن پای حق، ترس نداشتن از قضاوت دیگران، شکستن شبه هنجارهای بی‌مبنا، دفاع از مظلوم و قدرت انتخاب اخلاقی را - بدون آنکه شعاری شود - به مخاطب یادآوری کرد؛ مفاهیمی که درست در امتداد پیام‌های عاشورا معنا پیدا می‌کنند و با فضای ماه محرم گره خورده‌اند.

در دل این روایت، ریتم و ساختار هم به کمک معنا آمدند و دیالوگ‌نویسی دقیق و همه‌کس‌پسند نیز چاشنی کار شد. «دختران کوچه غم» با تسلط بر ذائقه مخاطب و استفاده هوشمندانه از مؤلفه‌های عام پسند، سریالی شد پرکشش و زنده. سبک روایتش، حال و هوای سریال ماندگار «شب دهم» را در ذهن زنده می‌کرد؛ همان فضای دوران پهلوی، همان کوچه پس کوچه‌های تهران قدیم و همان عطر عزاداری‌هایی که لابه‌لای داستان، آرام اما مؤثر نشسته‌اند؛ با بهره‌گیری از موضوع تحول یک شخصیت در ایام محرم. این تلفیق هنرمندانه میان قصه‌پردازی دراماتیک و مضمون‌پردازی ارزشی، راز موفقیت سریالی بود که اگر به موقع و در قالبی مناسبت پخش می‌شد، می‌توانست به مراتب بیشتر دیده شود. در کنار همه این‌ها، بازی امیر نوروزی نقطه درخشانی بود که نمی‌شد آن را نادیده گرفت. او هنوز به چهره و ستاره‌ای که گیشه‌ها را فتح کند تبدیل نشده است، اما با بازی دقیق، روان و بی‌تکلفش، در نقش مردی ایستاده در میانه غرور و تردید، نظر بسیاری را به خود جلب کرد. جنس حضور نوروزی در قاب تصویر «دختران کوچه غم»، یادآور بازی درخشان حسین یاری در نقش حیدر خوش‌مرام سریال «شب دهم» بود؛ همان سبکی از بازی که نه پرزرق و برق است، نه تصنعی، اما در جان مخاطب می‌نشیند.

«دختران کوچه غم» مهم شد، چون توانست بدون آنکه از خط بیرون بزند یا به دام شعارزدگی بیفتد، حرف مهمی را به درام تبدیل کند. قصه این سریال درباره انسان، در بزنگاه قضاوت‌ها و تضادها، بود؛ آن هم در ماه محرم. قصه‌ای که شاید از جنس روضه نبود، اما روح روضه را درک کرده بود.

بحران ایده‌ها و ضعف مدیریت تولید و پخش

محرم امسال در حالی سپری می‌شود که سینما، تلویزیون و پلتفرم‌های نمایش خانگی، تقریبا خالی از هرگونه اثر مناسبتی درخور و خوش‌ساخت هستند؛ غیبت معناداری که بار دیگر نشان داد احیای چهره دراماتیک فرهنگ عاشورا، نیازمند تلفیق دو عنصر کلیدی است: مدیریت هوشمند تولید و پخش، و ایده‌های خلاقانه‌ای که ریشه در گوهر اصیل عاشورا داشته باشند.

سریالی چون «دختران کوچه غم» اگرچه در خود ظرفیت‌هایی برای همراهی با حال و هوای محرم دارد، اما زمان پخش بی‌ربط و فقدان سیاست‌گذاری مناسب، باعث شد فرصت طلایی هم‌نفس شدن با این ایام را از دست بدهد. این در حالی است که یک برنامه‌ریزی دقیق می‌توانست آن را در موقعیتی مناسب به نمایش بگذارد تا هم بیشتر دیده شود و هم کارکرد فرهنگی‌اش را ایفا کند.

از سوی دیگر، تجربیات انباشته نمایشی در ایران ثابت می‌کنند که صرف استفاده مستقیم از مناسک و شعائر کافی نیست. آنچه مخاطب امروز را درگیر می‌کند، رسیدن به درون‌مایه و توجه به روح فرهنگ عاشورا - یعنی اخلاق، آزادگی، مظلومیت و ایستادگی در برابر ظلم - در قالبی تازه و دراماتیک است. ایده‌هایی که نه صرفا از نوحه و روضه، بلکه از سلوک عاشورایی تغذیه کنند و در فرم جذاب و هنرمندانه‌ای جان بگیرند، همچنان جای خالی پررنگی در منظومه تصویری ما دارند.

شاید محرم امسال، بیش از هر سال دیگری، ما را متوجه این خلأ کرد؛ شکاف عمیقی که اگرچه مایه تأسف است، اما می‌تواند چراغ راهی برای آینده باشد. هنر نمایش ایرانی، به ویژه در رابطه با محرم که ریشه‌ای مستحکم در دل تعزیه خوانی دارد، در سال‌های آتی با نگاهی ژرف‌تر و مدیریتی بیدارتر، می‌تواند آثاری در تراز فرهنگ عاشورا خلق کند؛ آثاری که هم در ذهن و دل مخاطب بمانند و هم صدای محرم را از قاب تصویر تا عمق جان برسانند؛ سریال‌هایی که مخاطب با تماشای آن‌ها، پابه‌پای حیدر «شب دهم» و مسیح «دختران کوچه غم»، احساس پالایش و زلال شدن کند.

یادداشت

عاشورا و هنر: آفرینش مقاومت در آیینه فرهنگ

محمد جواد استادی
پژوهشگر مطالعات فرهنگی

عاشورا نه تنها یک رویداد تاریخی، بلکه متنی فرهنگی و پویاست. درون مایه و قدرت درونی این واقعه چنان پرعظمت است که زمینه حضور و دوام و زنده بودنش را فراهم آورده است. این درون مایه زندگی ساز و غنی با بهره بردن از زبان هنر، به حافظه‌ای زنده و اثرگذار بدل شده است. این پدیده، فراتر از لحظه‌ای در تاریخ، به گفتمانی چندلایه تبدیل گشته که هنر، آن را بازنمایی و بازتولید می‌کند. رابطه عاشورا و هنر، دوسویه و خلاق است؛ عاشورا به هنر عمق و جهت می‌بخشد و هنر، عاشورا را در قالب‌هایی نوین و جهانی بازتعریف می‌کند. این هم‌افزایی، عاشورا را به نمادی جهانی برای عدالت و مقاومت ارتقا داده است.

از تاریخ به حافظه: جاودانگی در آیین‌های هنری

نظریه‌پردازان حافظه فرهنگی، میان حافظه تاریخی (مستند) و حافظه جمعی (نمادین) تمایز قائل‌اند. عاشوراکلان رویدادی است که هرگز کارکرد خویش را از دست نداده و نخواهد داد. عاشورا به مثابه حافظه‌ای جمعی و پویا شناخته می‌شود. تعزیه، نقاشی قهوه‌خانه‌ای، نوحه‌سرایی و آثار دیجیتال معاصر، ابزارهایی‌اند که عاشورا را به تجربه‌ای زیسته و معاصر برای انسان کنونی بدل کرده است. هنر، در اینجا، «قاب ساز» است؛ قابی که عاشورا را در ذهن و قلب مخاطب تثبیت می‌کند. این بازنمایی، نه تنها گذشته را مدام تکرار کرده و زنده نگه می‌دارد، بلکه آینده‌ای مبتنی بر ارزش‌های عاشورایی ترسیم می‌کند. هنر، با خلق این پیوستگی، هویت فرهنگی جوامع را تقویت می‌کند.

زیبایی‌شناسی مقاومت: هنر به مثابه کنش سیاسی

زیبایی‌شناسی سیاسی، هنر را عرصه‌ای برای مواجهه با قدرت و بازتعریف هویت می‌داند. هنر عاشورایی، ذیل «زیبایی‌شناسی مقاومت»، روایت مظلومیت و عدالت‌خواهی را بازسازی می‌کند. تعزیه، به عنوان یک درام آیینی، تماشاگر را از ناظری منفعل به کنشگری عاطفی و فکری بدل می‌سازد. این اجرا، رنج و شهادت را نه فقط به مثابه سوژه‌های روایی، بلکه به عنوان اهرم‌هایی برای بازتعریف عدالت و ایستادگی در برابر سلطه به‌کار می‌گیرد. در این فضا، فرم‌های هنری، میدان‌هایی سیاسی-فرهنگی‌اند که سوژه را به بازاندیشی در ارزش‌های انسانی دعوت می‌کنند. این فرایند، هنر را به ابزاری برای مبارزه نمادین تبدیل می‌کند.

تنظیم عاطفه، آفرینش تعهد

هنر عاشورایی، عواطف جمعی را سازمان‌دهی می‌کند. مناسک سوگ، از طریق نوحه، مرثیه و بازنمایی‌های بصری، اندوه را به تجربه‌ای هدفمند بدل می‌کنند. این عاطفه، برخلاف سوگ‌های فردی، به سوی کنش اجتماعی و تعهد اخلاقی هدایت می‌شود. نظریه‌پردازان احساسات، این فرایند را «عاطفه سازمان‌یافته» می‌نامند؛ احساسی که به جای بازدارندگی، به آگاهی و مقاومت منجر می‌شود. نوحه‌های حماسی و تصاویر معاصر، با رمزگذاری رنج، سوژه را به تأمل در حقیقت و کنش سیاسی سوق می‌دهند. این تنظیم عاطفه، به ویژه در نسل‌های جدید، حس تعلق به ارزش‌های عاشورایی را تقویت می‌کند.

جهانی شدن گفتمان عاشورا از طریق هنر

در عصر دیجیتال، زبان هنر عاشورایی به رسانه‌های نوین گسترش یافته است. انیمیشن، موشن‌گرافی، سینمای مقاومت و گرافیک اجتماعی، حافظه عاشورا را در میدان‌های جدید بازتولید می‌کنند. این ابزارها، با قابلیت نفوذ چندحسی، عاشورا را به گفتمان‌های جهانی عدالت‌خواهی پیوند زده‌اند. از فلسطین تا آفریقای جنوبی، روایت مظلومیت و حق‌طلبی حسینی، الهام‌بخش جنبش‌های فرهنگی و سیاسی شده است. هنر، در اینجا، به مثابه پلی عمل می‌کند که عاشورا را از رویدادی محلی به نمادی جهانی برای مبارزه با بی‌عدالتی بدل کرده است. این جهانی شدن، به کمک در اختیار قراردادن ظرفیت هنر در ترجمهٔ ارزش‌های عاشورایی به زبانی بینافرهنگی ممکن می‌شود.

هویت‌سازی برای نسل جدید

هنر عاشورایی، در مواجهه با نسل‌های جدید، نقشی کلیدی در بازسازی هویت جمعی ایفا می‌کند. در جهانی که رسانه‌های دیجیتال و فرهنگ‌های جهانی شده، هویت‌های بومی را به چالش می‌کشند، آثار هنری عاشورایی، از پوسترهای گرافیکی تا فیلم‌های کوتاه، ارزش‌های عاشورا را به زبانی امروزی بازگو می‌کنند. این آثار، با بهره‌گیری از زیبایی‌شناسی مدرن، نسل جوان را به تأمل در مفاهیمی چون کرامت، شهادت و عدالت دعوت می‌کنند. این بازنمایی‌ها، نه تنها حس تعلق فرهنگی را تقویت می‌کنند، بلکه عاشورا را به عنوان منبعی برای الهام‌گیری در چالش‌های معاصر، از تغییرات اجتماعی تا مبارزات جهانی، معرفی می‌کنند.

نسبت هنر و عاشورا، وجودی و خلاق است. هنر، کوشش می‌کند عاشورا را به عنوان منبعی پایان‌ناپذیر برای معنا، مقاومت و هویت مورد توجه قرار دهد و عاشورا، به هنر جهت و عمق بخشیده است. هر هنرمندی که به عاشورا می‌پردازد، نه فقط گذشته را روایت می‌کند، بلکه آینده‌ای را طراحی می‌کند که در آن، عدالت، کرامت و ایستادگی بازتولید می‌شوند. این رسالت، در هر عصر، با ابزارها و زبان‌های نوین، باید با نوآوری و تعهد ادامه یابد.

ایستگاه هنر

سریال‌های جدید تلویزیون؛ از «مهمان‌کشی» تا «الگوریتم»

با فرارسیدن ماه محرم که فصل جدیدی برای پخش سریال‌های تلویزیونی به شمار می‌آید، جدول پخش سریال‌های شبکه‌های سیما با تغییر و تحول روبه رو شد و آثاری مرتبط با ایام عزاداری و البته تجاوز نظامی رژیم صهیونیستی به آنتن رسید. این آثار حدود دو ماه دیگر روی آنتن خواهند بود و پس از ایام ماه صفر، جای خود را به سریال‌هایی متفاوت و البته کمدی خواهند داد. در این گزارش، مهم‌ترین سریال‌های حال حاضر و آماده پخش سیما مرور شده است.

«مهمان‌کشی» اولین مهمان در صف آنتن

شبکه یک سیما مجموعه تلویزیونی عاشورایی «مهمان‌کشی» را آماده پخش دارد که قرار بود این هفته پخش شود، اما به زمانی دیگر موکول شد. این محصول سیمافیلم که به زندگی و شهادت مسلم بن عقیل، سفیر امام حسین(ع) به سوی کوفه، می‌پردازد، به کارگردانی احمد کاوری ساخته شده و از حضور چهره‌هایی چون حسام منظور در نقش عبیدا... بن زیاد، لیلا اوتادی در نقش هند، مریم مؤمن در نقش رقیه همسر مسلم و پژمان بازغی در نقش یزید بهره می‌برد. بهراد محمدی نیز بازیگر اصلی و چهره تازه سریال «مهمان‌کشی» است که با نقش «مسلم بن عقیل» دیده خواهد شد.

سریالی درباره جنگل‌های هیرکانی

مجموعه «دامون» به کارگردانی مسعود فرخنده طینت از جمله دیگر محصولات آماده پخش رسانه ملی است که به موضوعی محیط زیستی می‌پردازد. این اثر درباره قاچاق چوب درخت سرخدار و حفظ و حراست از جنگل‌های هیرکانی، در مناطق شمالی کشور ساخته شده است.

شخصیت اصلی «دامون»، جنگلبانی به نام «مازیار» با بازی عمار تفتی است که دچار چالشی میان خانواده و وظیفه حفظ محیط زیست می‌شود. گفته می‌شود «دامون» برای پخش از شبکه یک سیما در نظر گرفته شده است.

یک قصه فوتبالی در راه آنتن

مجموعه تلویزیونی «بوقچی» دیگر سریال آماده پخش سیماست که یک بار به آنتن هم رسید، ولی پس از پخش تنها هفت قسمت به علت تجاوز نظامی رژیم صهیونیستی به خاک کشورمان نیمه‌کاره ماند و از آنتن خارج شد. این سریال که نگاهی طنزآمیز به مسائل فوتبالی دارد، به کارگردانی حسن حبیب زاده ساخته شده است. حسن پورشیرازی، بیژن امکانیان، شهره سلطانی، امیر غفارمنش، رامین ناصرنصیر، امیر کربلایی زاده، امید روحانی، آرش نوذری و شهین تسلیمی از جمله هنرپیشه‌های «بوقچی» به شمار می‌روند. این سریال محصول باشگاه فیلم سوره، احتمالا پس از پایان ماه صفر روی آنتن شبکه ۳ سیما خواهد رفت.

«ماه عسل»؛ سفر پرماجرا به مشهد

دیگر مجموعه کمدی آماده پخش سیمافیلم، «ماه عسل» به کارگردانی منوچهر هادی است که پس از سروصدای فراوان «یزدان»، یک بار دیگر این کارگردان شناخته شده محصولات پرفروش سینمای کمدی را در جایگاه سریال‌ساز تلویزیون مطرح خواهد کرد. اکبر عبدی، قدرت ا... ایزدی، یوسف تیموری، یوسف صیادی، امیر کاظمی، مریم مؤمن، الهام حمیدی و شهره سلطانی فهرست بازیگران این اثر را تشکیل می‌دهند. در خلاصه داستان «ماه عسل» آمده است: چند جوان دانشجو در مراسم ازدواج دانشجویی شرکت کرده و برنده سفر به مشهد مقدس می‌شوند و حالا سفر پرماجرایی در پیش رو دارند.

محصولی جدید برای هفته دفاع مقدس

نسخه سریالی فیلم سینمایی «اشک هور» که سال گذشته در جشنواره فیلم فجر رونمایی شد و به تازگی اکران آنلاین را تجربه کرده، از جمله محصولات آماده پخش سیماست که هنوز به آنتن نرسیده است. این سریال به کارگردانی مهدی جعفری که «قرارگاه سری نصرت» نام دارد، به زندگی شهید علی هاشمی می‌پردازد. این سریال محصول سازمان سینمایی سوره، احتمالا در هفته دفاع مقدس روی آنتن تلویزیون خواهد رفت.

یک مجموعه جاسوسی در نزدیکی پخش

در حالی که پخش مجموعه جاسوسی «ناریا» از شبکه یک به تازگی پایان یافته، سریال «الگوریتم» به کارگردانی بیژن میرباقری، دیگر محصول جاسوسی سیماست که در نزدیکی زمان پخش قرار دارد و ممکن است تابستان امسال مهمان آنتن شود. امیرعلی دانایی، امیرکاوه آهنین جان، سولماز غنی، علیرضا رئیسی، مهدی زمین‌پرداز و ندا جعفری در «الگوریتم» ایفای نقش کرده‌اند. گفته شده محور قصه این سریال ۳۰ قسمتی، مقابله با تأمین مالی گروه‌های تروریستی خواهد بود.

منبع: ایسنا

چارسوق هنر

اکران آنلاین مستندی درباره پرونده خون‌های آلوده

اکران آنلاین فیلم مستند «قوی دل» به کارگردانی علی فراهانی صدر (تولید مرکز گسترش سینمای مستند، تجربی و پویانمایی) از ۱۸ تیرماه آغاز می‌شود. به گزارش ایسنا، مستند «قوی دل» پیش از این در هفدهمین جشنواره بین‌المللی فیلم مستند «سینماحقیقت» به کسب جایزه ویژه هیئت داوران، جایزه ویژه شهید آوینی و جایزه ویژه تماشاگران موفق شد. این مستند درباره ورود خون‌های آلوده به ایران است، احمد قوی دل، با بیمار شدن پسرش درصدد احیای حق بیماران در پرونده داروهای آلوده برمی‌آید. علاقه‌مندان می‌توانند این فیلم را در صفحه اکران حقیقت در پلتفرم هاشور تماشا کنند.

سه فیلم‌نامه پروانه فیلم‌سازی دریافت کردند

شورای پروانه فیلم‌سازی در جلسه اخیر، با ساخت سه فیلم سینمایی موافقت کرد. به گزارش مهر، فیلم‌نامه‌های «تو زیباترینی» به کارگردانی جهان خادم‌الملک و «گربه‌های تهران» به کارگردانی داود بیدل پروانه فیلم‌سازی دریافت کردند. همچنین فیلم‌نامه «نسیان» به کارگردانی محمدرضا یکانی موافقت شورای پروانه فیلم‌سازی سینمایی را اخذ کرد.

آغاز فصل سوم «باضیا» از امروز

پس از اتمام فصل دوم «باضیا»، از امروز فصل سوم این برنامه آغاز می‌شود. به گزارش صبا، ضیا در فصل قبلی که علی‌رغم پخش مستقل صرفا در بستر یوتیوب، به مخاطب چند میلیونی رسیده بود، ترکیب متنوع و خاصی از مهمانان را میزبانی کرد.